یادداشت

آش شور مالیاتی

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

مالیات بر ارزش‌افزوده (VAT) به یکی از راحت‌ترین ابزارهای تأمین درآمدهای دولت‌ها بدون توجه به تبعات آن تبدیل شده است. این نوع مالیات که بر اساس ارزش‌افزوده ایجادشده در هر مرحله از زنجیره تولید و توزیع پوست مردم را می‌کَند و به دلیل ماهیت غیرمستقیم خود، از مصرف‌کنندگان نهایی هم دریافت می‌شود. در ایران‌مان، قانون مالیات بر ارزش‌افزوده از سال ۱۳۸۷ اجرایی شد و از آن زمان تاکنون، نرخ‌ها و دامنه شمول آن بارها تغییر کرده است. تصمیم اخیر هیئت دولت در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۴۰۴ مبنی بر کاهش مالیات بر ارزش‌افزوده کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی و کشاورزی از ۱۰ درصد به یک‌درصد، هرچند گامی در راستای کاهش فشار بر مصرف‌کنندگان به نظر می‌رسد، اما نمی‌تواند نقایص ساختاری و تبعات منفی این نظام مالیاتی را پنهان کند.

مالیات بر ارزش‌افزوده معمولاً در تئوری، سیستمی شفاف و کارآمد برای جمع‌آوری درآمدهای دولت معرفی می‌شود و به دلیل پوشش گسترده زنجیره تولید و مصرف، درآمد پایداری برای دولت ایجاد می‌کند، اما در عمل، اجرای این مالیات، حداقل در کشورمان، با مشکلات متعددی مواجه است. نخست، نرخ‌های متغیر و گاه غیرمنطقی این مالیات در بخش‌های مختلف، از جمله کالاهای اساسی، باعث سردرگمی فعالان اقتصادی و مصرف‌کنندگان شده است. دوم، فقدان زیرساخت‌های مناسب برای نظارت و جلوگیری از فرار مالیاتی، به‌ویژه در بخش‌های غیررسمی اقتصاد، کارایی این سیستم را کاهش داده است. سوم و شاید مهم‌تر از همه، فشار مالیاتی بر دوش مصرف‌کنندگان نهایی، به‌ویژه اقشار کم‌درآمد، در شرایط تورمی و کاهش قدرت خرید، به یک معضل اجتماعی-اقتصادی تبدیل شده است.

تصمیم هیئت دولت برای کاهش نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده کالاهای اساسی از ۱۰ درصد به یک‌درصد که پیش‌تر نیز در ۲۲ اسفند ۱۴۰۳ مطرح شده بود، ظاهراً با هدف کاهش فشار بر مصرف‌کنندگان و حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و دامی اتخاذ شده است. این اقدام، هرچند در کوتاه‌مدت می‌تواند هزینه‌های مصرف‌کنندگان را کاهش دهد، ولی به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات ریشه‌ای نظام مالیات بر ارزش‌افزوده را حل کند. در واقع، این تصمیم بیشتر شبیه یک مسکن موقت است که صدای اعتراضات عمومی را برای مدتی خاموش می‌کند، اما نمی‌تواند به آش شور مالیاتی که سال‌هاست در اقتصاد ایران پخته می‌شود، سامان دهد. چرا مالیات بر ارزش‌افزوده به مردم فشار مضاعف وارد می‌کند؟

■ ماهیت «رگرسیو» مالیات بر ارزش‌افزوده

مالیات بر ارزش‌افزوده به دلیل غیرمستقیم بودن، به‌طور یکسان از همه مصرف‌کنندگان، صرف‌نظر از سطح درآمدشان دریافت می‌شود. این ویژگی، آن را به یک مالیات رگرسیو (پس‌رونده) تبدیل می‌کند، به این معنا که اقشار کم‌درآمد نسبت به درآمدشان، بار مالیاتی سنگین‌تری را متحمل می‌شوند. در ایران‌مان، جایی که بخش قابل‌توجهی از جمعیت با مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، وضع مالیات بر ارزش‌افزوده بر کالاهای اساسی، حتی با نرخ‌های پایین‌تر، به معنای کاهش بیشتر قدرت خرید این اقشار است. برای مثال، یک خانوار کم‌درآمد که بخش عمده درآمد خود را صرف خرید مواد غذایی می‌کند، حتی با کاهش نرخ مالیات به یک‌درصد، همچنان باید بخشی از درآمد ناچیز خود را به این مالیات اختصاص دهد، درحالی‌که خانوارهای پردرآمد به دلیل مصرف متنوع‌تر، کمتر تحت تأثیر این مالیات قرار می‌گیرند.

■ تورم و تشدید اثرات مالیات

اقتصاد کشورمان در سال‌های اخیر با تورم‌های بالا و مزمن دست‌وپنجه نرم کرده است. در چنین شرایطی، مالیات بر ارزش‌افزوده، حتی با نرخ‌های پایین، به افزایش قیمت کالاها و خدمات منجر می‌شود. این افزایش قیمت، به‌ویژه در مورد کالاهای اساسی که تقاضای غیرکششی دارند، مستقیماً به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود. در واقع، کاهش نرخ مالیات به یک‌درصد، در شرایطی که قیمت نهاده‌های تولید (به دلیل نوسانات ارزی و تحریم‌ها) همچنان بالاست، نمی‌تواند تأثیر معناداری بر کاهش قیمت نهایی این کالاها داشته باشد. به عبارت دیگر، این کاهش نرخ، بیشتر یک ژست سیاسی است تا یک راه‌حل اقتصادی.

■ ناکارآمدی در توزیع بار مالیاتی

یکی از انتقادات اصلی به نظام مالیات بر ارزش‌افزوده در کشورمان، ناکارآمدی در توزیع عادلانه بار مالیاتی است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، برای کاهش اثرات رگرسیو این مالیات، معافیت‌ها یا نرخ‌های صفر برای کالاهای اساسی و ضروری در نظر گرفته می‌شود. در ایران، اگرچه برخی کالاها از مالیات معاف هستند، اما دامنه این معافیت‌ها محدود است و اغلب شامل کالاهایی نمی‌شود که برای اقشار کم‌درآمد حیاتی هستند، حتی با کاهش نرخ به یک‌درصد، همچنان این سؤال باقی است که چرا دولت به‌جای کاهش نرخ، معافیت کامل این کالاها را در نظر نگرفته است؟ این موضوع نشان‌دهنده عدم‌توجه کافی به عدالت مالیاتی در سیاستگذاری‌های دولت است.

■ آش مالیاتی چرا این‌قدر شور شده است؟

دولت‌ها در کشورمان، به‌ویژه در سال‌های اخیر به دلیل کاهش درآمدهای نفتی و کسری بودجه مزمن، به مالیات به‌عنوان منبعی برای تأمین مالی روی آورده‌اند، اما این رویکرد بدون توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی، به سیاست‌هایی منجر شده که صدای اعتراض نه‌تنها مردم، بلکه حتی سیاستگذاران و کارشناسان را درآورده است. اصطلاح «آش آن‌قدر شور شده که صدای آشپز هم درآمده» به‌خوبی وضعیت کنونی را توصیف می‌کند. در ادامه، چند دلیل اصلی این شوری مالیاتی بررسی می‌شود.

■ عدم‌شفافیت در هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی

یکی از مهم‌ترین دلایلی که مالیات بر ارزش‌افزوده را برای مردم غیرقابل‌قبول کرده، عدم‌شفافیت در نحوه هزینه‌کرد این درآمدهاست. مردم حق دارند بدانند مالیاتی که پرداخت می‌کنند، صرف چه اموری می‌شود. آیا این درآمدها به بهبود زیرساخت‌ها، آموزش یا بهداشت منجر یا صرف هزینه‌های غیرضروری و ناکارآمد دولت می‌شود؟ در غیاب یک سیستم پاسخگویی قوی، مالیات به‌منزله «پول زور» تلقی می‌شود که بدون توجیه منطقی از جیب مردم خارج می‌شود.

■ فشار مضاعف بر اقشار آسیب‌پذیر

در شرایطی که نرخ بیکاری بالا، تورم افسارگسیخته و کاهش ارزش پول ملی، زندگی را برای بسیاری از هموطنان دشوار کرده، وضع هرگونه مالیات غیرمستقیم، حتی با نرخ‌های پایین، به معنای فشار بیشتر بر این اقشار است. کاهش نرخ مالیات به یک‌درصد، هرچند گامی مثبت است، اما نمی‌تواند این واقعیت را تغییر دهد که بسیاری از خانوارها حتی توان پرداخت همین یک‌درصد را هم ندارند.

■ ناکارآمدی نظام مالیاتی در حمایت از تولید

یکی از اهداف مالیات بر ارزش‌افزوده، حمایت از تولید از طریق بازتوزیع درآمدهای مالیاتی به بخش‌های مولد است، اما در ایران‌مان، این درآمدها اغلب صرف هزینه‌های جاری دولت می‌شود و کمتر به حمایت از تولیدکنندگان، به‌ویژه در بخش کشاورزی و دامداری اختصاص می‌یابد. کاهش نرخ مالیات بر نهاده‌های دامی و کشاورزی می‌تواند هزینه‌های تولید را تا حدی کاهش دهد، اما بدون اصلاحات ساختاری در زنجیره تأمین و توزیع، این کاهش تأثیر چندانی بر قیمت نهایی محصولات نخواهد داشت.

■ پیشنهادهایی برای اصلاح نظام مالیات بر ارزش‌افزوده

* معافیت کامل کالاهای اساسی
* شفافیت در هزینه‌کرد مالیات‌ها
* تقویت زیرساخت‌های نظارتی
* توسعه مالیات‌های پیش‌رونده

گزارش

بهناز قاسمی

مالیات از خانه‌های خالی فقط خالی‌بندی شد!

طی نیمه اول سال ۱۴۰۳، فقط ۰/۸درصد از هدف مالیاتی خانه‌های خالی محقق شد، یعنی ۳/۹میلیارد تومان به جای ۵۰۰میلیارد تومان

طی سال‌های اخیر شاهد وصول بسیار محدود مالیات از خانه‌های خالی بوده‌ایم، به‌طوری که نسبت به ارقام تعیین‌شده در بودجه‌های سنواتی فاصله بسیار زیادی مشاهده می‌شود. کارنامه شش‌ماهه سال ۱۴۰۳ از عملکرد دولت در حوزه مالیات‌ستانی از خانه‌های خالی و لوکس نشان‌دهنده رفوزگی برای سومین سال متوالی است. در نیم‌سال اول ۱۴۰۳ و در حالی که انتظار می‌رفت نیمی از هدف‌گذاری بودجه سالانه کشور در این بخش محقق شده باشد، تنها ۰/۸درصد از هدف مالیاتی خانه‌های خالی محقق و معادل کمتر از ۴میلیارد تومان وصول شد، البته این کارنامه چندان هم دور از انتظار نبود چراکه در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ پرونده جدیدی از خانه‌های خالی به سازمان امور مالیاتی معرفی نشده است. انتظار می‌رود وزارت راه و شهرسازی به‌عنوان متولی سامانه املاک و اسکان و همچنین کمیسیون اصل ۹۰ و دیوان محاسبات کشور به عنوان نهادهای ناظر در اجرای قوانین، جدیت بیشتری در این خصوص از خود نشان دهند.

در سال‌های اخیر، قانون مالیات بر خانه‌های خالی با هدف تنظیم بازار مسکن و تشویق مالکان به عرضه واحدهای مسکونی خالی به بازار اجاره یا فروش اصلاح و تصویب شد، با این حال این قانون نتوانسته است انتظاراتی را که در بعد مالی و اقتصادی پس از اجرای آن وجود داشت، برآورده کند. اخیراً نیز رئیس جمهور از نبود اطلاعات کامل از تعداد خانه‌های خالی و مالکان آنها انتقاد کرد و در جلسه شورای عالی مسکن خواستار جمع‌آوری اطلاعات کامل و درست شد.

این قانون که از سال ۱۳۹۹ با اصلاح ماده ۵۴ قانون مالیات‌های مستقیم وارد فاز اجرایی شد، قرار بود با ایجاد انگیزه برای عرضه خانه‌های خالی، هم بازار اجاره‌بها را کنترل کند و هم منبع درآمدی جدید برای دولت فراهم آورد، اما شواهد نشان می‌دهد وصولی مالیات از این محل، فاصله چشمگیری با ارقام پیش‌بینی‌شده در بودجه‌های سنواتی دارد.

بر اساس گزارش‌های موجود، از زمان اجرایی شدن این قانون، تعداد خانه‌های خالی شناسایی‌شده و مالیات وصولی از آنها با اهداف تعیین‌شده در بودجه‌های سنواتی همخوانی نداشته است.

■ وصولی ناچیز مالیات بر خانه‌های خالی طی ۲سال

در بودجه سال ۱۴۰۰ پیش‌بینی شده بود حدود ۲هزارمیلیارد تومان از محل مالیات بر خانه‌های خالی وصول شود، با این حال تا پایان سال ۱۴۰۰ و با توجه به گزارشات عملکرد بودجه در پایان سال، میزان وصولی مالیات از این محل بسیار ناچیز بود، عمده این اتفاق نیز بابت مشکلات اولیه در راه‌اندازی سامانه املاک و اسکان و نبود بانک اطلاعاتی جامع بود.

در سال ۱۴۰۱ انتظار می‌رفت با تکمیل سامانه و شناسایی بهتر خانه‌های خالی، شاهد بهتر اجرا شدن قانون مالیات بر خانه‌های خالی باشیم، در بودجه نیز درآمدی بالغ بر ۳هزارمیلیارد تومان برای این منظور در نظر گرفته شد، با این حال در این سال نیز رقم بسیار ناچیزی وصول شد.

■ ارائه‌نشدن اطلاعات خانه‌های خالی طی ۲سال

به گزارش تسنیم، پیگیری‌های جدید نشان می‌دهد تنها در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ اطلاعات تعدادی از خانه‌های خالی به سازمان امور مالیاتی اعلام شده است، در حقیقت با توجه به اطلاعاتی که از پرونده‌های ارسال‌شده به سازمان امور مالیاتی به دست آمده است، طی سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ پرونده‌ای مربوط به خانه‌های خالی به سازمان امور مالیاتی ارسال نشده یا آنکه تعداد آنها بسیار محدود بوده، این در حالی است که در ماه‌های ابتدایی هر سال سامانه مربوط باید اطلاعات خانه‌های خالی سال گذشته را به سازمان امور مالیاتی اعلام می‌کرده است، به این ترتیب تمام وصولی مالیات بر خانه‌های خالی که طی دو سال گذشته انجام شده، مربوط به پرونده‌های قدیمی و سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ بوده است.

در سال ۱۴۰۳، پیش‌بینی دولت از درآمد مالیاتی ناشی از خانه‌های خالی فقط هزارمیلیارد تومان بود و به این ترتیب در برش شش‌ماهه باید ۵۰۰میلیارد تومان از این رقم وصول شده باشد، این در حالی است که در این مدت فقط ۳/۹میلیارد تومان مالیات از مالکان خانه‌های خالی اخذ شده که معادل ۰/۸ از هدف برش نیم‌سال جاری است.

حال سؤالی که وجود دارد این است، آیا طی دو سال گذشته با وجود تقویت سامانه املاک و اسکان به عنوان سامانه‌ای که مکلف به شناسایی خانه‌های خالی است، هیچ مورد جدیدی از خانه‌های خالی به سازمان امور مالیاتی اعلام نشده است؟

این مسئله زمانی پرابهام‌تر می‌شود که طی این بازه زمانی بارها آمارهای مختلفی در خصوص شناسایی خانه‌های خالی اعلام شده بود، با این حال به‌نظر نمی‌رسد خانه‌های شناسایی‌شده به‌منظور وصول مالیات به سازمان امور مالیاتی اعلام شده باشند.

■ وقتی نقص اطلاعات اجرای قانون را متوقف می‌کند

باید توجه داشت که یکی از چالش‌های اساسی در مسیر اثربخشی قانون مالیات بر خانه‌های خالی عدم‌قطعیت در داده‌هاست، به‌عبارت دیگر اطلاعات کافی به منظور اثبات خالی بودن خانه‌ها به مؤدیان اعلام نمی‌شود تا آنها را از اعتراض به برگ تشخیص‌های مالیاتی بازدارد، به همین سبب فرایندی طولانی و پرهزینه برای رسیدگی به این اعتراضات آغاز می‌شود. به‌نظر می‌رسد تاکنون نیز برخی پرونده‌های مربوط به ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ به سرانجام نرسیده است و به همین سبب همچنان عدم‌وصولی برای مالیات بر خانه‌های خالی وجود دارد.

■ ۴سال بعد، مالیات خانه‌های خالی همچنان روی کاغذ

شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیل این عملکرد ضعیف، ناکارآمدی سامانه املاک و اسکان است که همچنان یک بانک اطلاعاتی جامع و به‌روز نیست، علاوه بر این، فرایند طولانی اعتراض مؤدیان به برگه‌های تشخیص مالیاتی و نبود ضمانت اجرایی قوی برای وصول، از دیگر موانع اصلی به‌شمار می‌روند. با توجه به این شرایط تکمیل این سامانه و نظارت بر اجرای قانون نیازمند عزم جدی‌تر دستگاه‌های اجرایی است.

به این ترتیب می‌توان گفت باید سازوکارهای شناسایی دقیق‌تر، جریمه‌های بازدارنده‌تر و هماهنگی بهتر بین دستگاه‌ها ایجاد شود. در شرایط کنونی می‌توان گفت با وجود گذشت حدود چهار سال از اصلاح قانون مالیات بر خانه‌های خالی همچنان بخش زیادی از این قانون روی کاغذ باقی مانده است.

انتظار می‌رود وزارت راه و شهرسازی به‌عنوان متولی سامانه املاک و اسکان و همچنین کمیسیون اصل ۹۰ و دیوان محاسبات کشور به عنوان نهادهای ناظر در اجرای قوانین، جدیت بیشتری در این خصوص از خود نشان دهند.

اقتصاد مستقل، آینده‌ای پایدار

بند مذاکرات را از پای اقتصاد باز کنید

گزارش ۲

گره زدن اقتصاد به مذاکرات، مانند حرکت روی طنابی لرزان است. وقتی تصمیمات اقتصادی به نتایج نامعلوم گفت‌وگوهای خارجی وابسته می‌شوند، فعالان اقتصادی دست نگه می‌دارند، سرمایه‌گذاری‌ها متوقف می‌شوند و بازار ارز نوسانات شدید پیدا می‌کند. برای مثال، در سال ۱۳۹۴، انتظار برای نهایی شدن برجام، فرصت‌های شغلی را کاهش داد و پروژه‌های زیرساختی را معطل گذاشت. علاوه بر این، شرطی‌سازی، انتظارات تورمی را تقویت می‌کند. در سال ۱۴۰۰، اخبار مذاکرات وین، نرخ دلار را به نوسان سپرد بدون اینکه نتیجه ملموسی برای اقتصاد داشته باشد. چنین وضعیتی، اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی را فرسایش می‌دهد و ریسک‌های ژئوپلتیک را به اقتصاد داخلی منتقل می‌کند.

«برجام» تجربه‌ای آموزنده است چه آنکه تنها یک توافق نبود؛ در عمل، به سنگ‌بنای شرطی‌سازی اقتصاد بدل شد. در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷، بسیاری از سیاستگذاری‌ها به رفع تحریم‌ها گره خورد. دولت وقت، پروژه‌های تولیدی را به امید سرمایه خارجی متوقف کرد، اما پس از خروج رژیم امریکا در سال ۱۳۹۷، اقتصاد ایران دچار شوک ارزی شد و بازارها به هم ریخت. دلار به شکل افسارگسیخته‌ای رشد کرد و بسیاری از کسب‌وکارها زمینگیر شدند. این تجربه، هشداری بود که نباید برنامه‌ریزی اقتصادی را وابسته به تحولات بیرونی کرد. راه درست، تقویت درون‌زایی اقتصاد، تنوع‌بخشی به شرکای تجاری و شفاف‌سازی برنامه‌هاست.

■ تقویت پایه‌های داخلی اقتصاد

مقاوم‌سازی اقتصاد از درون آغاز می‌شود. وزارت صنعت می‌تواند تا پایان ۱۴۰۵، برنامه خودکفایی در تولید ۸۰درصد قطعات خودرو را اجرا کند، همان‌طور که صنعت داروسازی موفق شد ۹۷درصد نیاز داخلی را تأمین کند. در حوزه کشاورزی، افزایش تولید گندم از ۱۳ به ۱۶میلیون تن تا سال ۱۴۰۶ با اجرای آبیاری هوشمند در ۵۰۰هزار هکتار زمین، امنیت غذایی را تضمین می‌کند. معاونت علمی ریاست‌جمهوری با رساندن بودجه تحقیق و توسعه به ۱/۸درصد تولید ناخالص داخلی، زمینه رشد ۵هزار شرکت دانش‌بنیان را فراهم می‌سازد. این اقدامات، وابستگی به واردات صنعتی را تا ۴۰درصد کاهش می‌دهد.

■ تنوع‌بخشی به روابط اقتصادی

وابستگی به چند شریک خاص، ریسک‌های مذاکرات را دوچندان می‌کند. وزارت صمت باید تا تابستان ۱۴۰۵، توافق‌نامه تجارت آزاد با عراق و عمان را نهایی کند. هدف: افزایش صادرات غیرنفتی از ۲۰ به ۳۰میلیارد دلار. همچنین با اعزام ۴۰ رایزن اقتصادی به کشورهای هدف، می‌تواند بازارهای آفریقا، آسیا و امریکای لاتین را شناسایی کند. وزارت راه نیز با تکمیل کریدور شمال-جنوب تا ۱۴۰۶، هزینه حمل‌ونقل را ۳۰درصد کاهش می‌دهد. با این اقدامات، سهم ایران از تجارت منطقه‌ای می‌تواند تا سال ۱۴۰۷ از ۲ به ۵درصد برسد.

■ مدیریت انتظارات عمومی

یکی از پیامدهای شرطی‌سازی، شکل‌گیری انتظارات منفی در جامعه است. سازمان صداوسیما باید کمپین رسانه‌ای «اقتصاد مقاوم» را تا پایان ۱۴۰۴ با تولید ۵۰۰برنامه تلویزیونی اجرا کند. این برنامه‌ها باید موفقیت‌های داخلی مانند پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس (تأمین ۴۰درصد بنزین کشور) را برجسته کنند. وزارت اقتصاد می‌تواند گزارش‌های ماهانه از پیشرفت پروژه‌ها ارائه دهد، همانند شفاف‌سازی اقتصادی در ژاپن که موجب افزایش ۲۰درصدی اعتماد عمومی شد. بانک مرکزی هم با ارائه تحلیل‌های ساده و علمی، انتظارات تورمی را مدیریت کند.

■ اصلاح سیاست‌های پولی و مالی

نوسانات ارزی، نتیجه مستقیم شرطی‌سازی و بی‌ثباتی سیاست‌های پولی است. بانک مرکزی باید تا پاییز ۱۴۰۴، سبد ارزی کشور را با افزایش سهم یوان، روپیه و روبل متنوع کند، مشابه هند که ۳۰درصد ذخایرش را از دلار خارج کرد. وزارت اقتصاد نیز با انتشار اوراق مشارکت تولیدی با سود ۱۸درصد، می‌تواند نقدینگی ۷هزار همتی را به سمت تولید هدایت کند. سازمان برنامه باید با تخصیص ۶۰درصد درآمدهای مالیاتی به پروژه‌های عمرانی، بودجه عمرانی را از نفت مستقل کند. نتیجه این اصلاحات، کاهش ۳۵درصدی نوسانات ارزی تا ۱۴۰۶ است.

■ تقویت زیرساخت‌ها

بدون زیرساخت قوی، اقتصاد مقاومتی فقط یک شعار است. وزارت نیرو باید تا پایان ۱۴۰۵، ظرفیت تولید انرژی تجدیدپذیر را از هزارو ۲۰۰ به ۵هزار مگاوات برساند. وزارت راه باید ساخت ۲هزار کیلومتر راه‌آهن جدید را تا ۱۴۰۶ به سرانجام برساند تا هزینه حمل‌ونقل داخلی ۲۰درصد کاهش یابد. همچنین ایجاد پنج پارک فناوری جدید از سوی وزارت صنعت، می‌تواند زمینه فعالیت هزار استارتاپ تولیدی را فراهم کند. این پروژه‌ها، بهره‌وری زیرساختی کشور را تا سال ۱۴۰۶ دست‌کم ۱۵درصد افزایش می‌دهد.

انرژی

مذاکره در سایه تشدید فشار اقتصادی!

مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و امریکا در حالی یک مرحله پشت سر گذاشته شده و مرحله جدید در راه است که وزارت خزانه‌داری امریکا روز گذشته بار دیگر مدعی شد شماری از نفتکش‌های مرتبط با کشورمان را هدف تحریم قرار داده است، این اقدام نشان‌دهنده آن است که واشینگتن همزمان با نمایش دیپلماسی، راهبرد فشار حداکثری اقتصادی را همچنان در دستور کار خود حفظ کرده و سیاستی دوگانه را در پیش گرفته است. این موضوع بار دیگر هشدار می‌دهد که نباید به وعده‌های مذاکره و تعامل از سوی امریکا با خوش‌بینی نگریست.

این نهاد امریکایی مدعی شده این اقدام در راستای مقابله با آنچه «دور زدن تحریم‌های امریکا از سوی ایران» خوانده، انجام شده است. تحریم‌های جدید به طور مستقیم بخش انرژی ایران را هدف قرار می‌دهد که یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی کشور به شمار می‌آید. آنچه این تحریم‌ها را قابل توجه می‌سازد، همزمانی آن با از سرگیری مذاکرات غیرمستقیم میان تهران و واشینگتن است. امریکا با چنین اقداماتی نشان می‌دهد قصد ندارد حتی در شرایط مذاکره نیز از اهرم‌های فشار خود علیه ایران صرف‌نظر کند. این رفتار از یک الگوی تکراری حکایت دارد؛ مذاکره در ظاهر، فشار در عمل.

تجربه توافق هسته‌ای برجام و خروج یک‌جانبه امریکا از آن در سال ۱۳۹۷ نیز نمونه‌ای آشکار از غیرقابل اعتماد بودن واشینگتن است. در حالی که ایران به تمامی تعهدات خود پایبند بود و این موضوع از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها تأیید شده بود، دولت وقت امریکا به سرکردگی همین دونالد ترامپ بدون هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای از توافق خارج شد و شدیدترین تحریم‌ها را علیه ملت ایران اعمال کرد. اکنون نیز با وجود ادعاهای مکرر مبنی بر تمایل به بازگشت به دیپلماسی، در عمل همان مسیر فشار حداکثری را دنبال می‌کند. اعمال تحریم‌های جدید علیه نفتکش‌ها در شرایطی که نشانه‌هایی از کاهش تنش دیده می‌شود، پیام روشنی دارد؛ امریکا نمی‌خواهد یا نمی‌تواند از سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه خود دست بردارد.

این اقدام نشان می‌دهد سیاست امریکا نسبت به ایران تابع هیچ قاعده اخلاقی یا پایبندی به اصول تعامل بین‌المللی نیست، از این‌رو نباید به روند مذاکراتی که از سوی چنین طرفی هدایت می‌شود، خوش‌بین بود. هرگونه اعتماد به وعده‌های واشینگتن بدون دریافت تضمین‌های عملی، می‌تواند به تکرار تجربیات تلخ گذشته منجر شود. در نهایت، آنچه اکنون بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد، هوشیاری و انسجام داخلی در برابر سیاست‌های فریبکارانه امریکاست. نباید فراموش کرد که فشار اقتصادی، تحریم‌های پی‌درپی و چهره دیپلماتیک تنها دو روی یک سکه هستند که هدف نهایی آن تضعیف ایران و وادار ساختن آن به عقب‌نشینی است. در برابر این راهبرد، تنها راه مؤثر، اتکا بر ظرفیت‌های داخلی و بی‌اعتمادی به دشمنی است که در میانه گفت‌وگو، خنجر تحریم را بر پشت ملت ایران فرود می‌آورد.

تجدید فراخوان عمومی واگذاری (اجاره) واحدهای تجاری در شهر مهستان به شماره ۰۷-۱۱-۱۴۰۳

شرکت عمران شهر مهستان در نظر دارد با استناد به صورتجلسات هیئت مدیره و کمیته ارزیابی قیمت های کارشناسی، تعداد ۷واحد تجاری واقع در پروژه اسکان سازه گروهه شهر مهستان به شرح جدول ذیل از طریق فراخوان عمومی واگذار (اجاره) نماید.

■ **نحوه خرید اسناد فراخوان:**

از کلیه متقاضیان خرید دعوت به عمل می آید بامراجعه به سایت سامانه تدارکات دولت به آدرس www.setadiran.ir به شماره فراخوان ۵۰۰۴۰۰۱۲۹۰۰۰۰۰۱ از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۶ لغایت روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۴ در یافت اسناد اقدام نمائید.

آخرین مهلت ارائه پاکات و بارگذاری پیشنهادات در سایت روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ ساعت ۱۶:۰۰ می باشد.

■ جلسه بازگشایی پاکات روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ ساعت ۱۱:۰۰ در اتاق کنفرانس شرکت می باشد.

■ **نوع و مبلغ تضمین شرکت در فراخوان:**

اصل فیش یا ضمانت نامه بانکی (بابت سپرده شرکت در فراخوان) موضوع آگهی را به حساب شماره ۴۰۰۱۰۳۶۹۰۶۳۷۴۱۹۹ و شبا IR940100004001036906374199 بانک مرکزی (ساتنا) بنام تمرکز وجوه سپرده شرکت عمران شهر مهستان و شناسه واریز حساب ۹۷۵۲۸۵۱۱۰۱۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰ واریز و ارائه شود.

(پیشنهاد دهندگان باید ضمانت نامه ای معادل ۵٪ قیمت پایه کارشناسی اجاره سالیانه بابت هر واحد را به عنوان سپرده شرکت در مزایده تحویل نمایند).

■ قیمت فروش اسناد فراخوان ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال (یک میلیون ریال) می باشد.

■ این فراخوان در پایگاه اینترنتی شرکت عمران به آدرس www.mehestan.ntdc.ir قابل مشاهـــــده می باشد.

شناسه آگهی: ۱۹۱۱۳۱۰

تجدید فراخوان عمومی واگذاری (اجاره) واحدهای تجاری سایت اسکان سازه گروه ۰۷-۱۱-۱۴۰۳

کاربری	ردیف	فاز	ناحیه	شماره قطعات	مساحت کل	اجاره بها ماهیانه ۱۴۰۴ (ریال)	مبلغ پایه اجاره بها سالیانه ۱۴۰۴ (ریال)
تجاری	۱	۷	سایت اسکان سازه گروه	K1	۳۰\۱۵۰	۹۰\۰۰۰\۰۰۰	۱\۰۸۰\۰۰۰\۰۰۰
	۲	۷		K2	۳۹	۹۸\۰۰۰\۰۰۰	۱\۱۷۶\۰۰۰\۰۰۰
	۳	۷		K4	۳۰	۹۰\۰۰۰\۰۰۰	۱\۰۸۰\۰۰۰\۰۰۰
	۴	۷		K6	۳۰	۹۰\۰۰۰\۰۰۰	۱\۰۸۰\۰۰۰\۰۰۰
	۵	۷		K9	۳۱،۵۰	۹۵\۰۰۰\۰۰۰	۱\۱۴۰\۰۰۰\۰۰۰
	۶	۷		K10	۳۱،۱۶	۹۵\۰۰۰\۰۰۰	۱\۱۴۰\۰۰۰\۰۰۰
	۷	۷		K11	۳۱،۹۲	۹۵\۰۰۰\۰۰۰	۱\۱۴۰\۰۰۰\۰۰۰